

مقدمه

تاریخ پرداختن به فلسفه و علل احکام به قرن دوم هجری، یعنی همزمان با انتقال حکومت اموی به عباسی و زمان امام صادق و امام رضا 8 باز می گردد.

حکومت اسلامی در آن دوران از نظر جغرافیایی، گسترش یافت و فرهنگ و اندیشه اسلامی با فرهنگهایی رویارو شد که به لحاظ جغرافیایی، تحت حاکمیت و حکومت اسلامی قرار داشت. در آن دوره، یک نهضت علمی، فکری، فرهنگی بزرگ به راه افتاد و نحله ها و مذهبهایی در اصول و فروع دین پدید آمد.

همچنین شور و اشتیاق مسلمانان برای فهم و تحقیق در مسائل دینی، ظهور افکار انحرافی و افراد منحرف و زندیق، گرایش مسلمانان به ترجمه آثار دیگران، علاقه مأمون عباسی به بحثهای عقلی و جگمی، زمینه را برای پرسش از احکام شرعی و عقاید فراهم کرد؛ از اینرو امامان معصوم و شاگردان ایشان به نقد افکار انحرافی و دفاع از حقایق و معارف دینی پرداختند.

در این میان، سؤالهایی نیز از محضر مبارک ائمة اطهار : در باب فلسفه احکام پرسیده شده است و ایشان به این پرسشها پاسخ داده اند.

شیخ صدوق؛ محدث بزرگ شیعی با تألیف «علل الشرایع» سعی کرده است که این روایات را جمع آوری کند و به بحث از علل و فلسفه احکام بپردازد.

روشن است از آنجا که خداوند متعال، حکیم و عالم مطلق است، همه احکام الهی نیز که از ناحیه او صادر شده اند، دارای مصلحت هستند و هیچ حکمی از احکام الهی، بدون حکمت نیست؛ چنان که هم در قرآن و هم در روایات به برخی از علل آنها اشاره شده است.

همان گونه که می دانید، علت تمام اعمال در منابع دینی نیامده است. در این موارد ما نمی توانیم حکمتهایی را برای آن اعمال بتراشیم؛ چرا که عقول انسانها به سبب نقصان ذاتی خود به هر درجه ای از مراتب علوم رسیده باشند، باز هم از درک و فهم همه علل و حکمت احکام عاجزند.

اسرار این احکام را فقط معصومان: می دانند که مصداق اتم «راسخون فی العلم» هستند و علمشان از ناحیه خدا افاضه شده است؛ اما شاید بتوان گفت که عقل جزئی بشر با پیشرفت و توسعه علوم، به ویژه در این قرون اخیر می تواند به بخش بسیار کوچکی از برخی چراییها در احکام شرعی دست یابد و برخی از آنها را حدس بزند و استحسان کند. نوشتار حاضر هم با این هدف تألیف شده است. در نتیجه، پرداختن به فلسفه و علل احکام را نباید با علم زدگی مترادف دانست.

غرض از این نوشتار، این نیست که به دنبال علمی کردن دین و احکام شریعت باشیم و توجیهات علمی و تجربی برای آن فراهم کنیم؛ بلکه اعتقاد بر این است که گستره و قلمرو دین، دیانت احکام دینی و شریعت فراتر از هر نگاه سطحی بین است و عقل معاش و جزیی که مقوم علوم تجربی جدید است، نه تنها صلاحیت، بلکه شأنیت

اظهار نظر و ورود به احکام شریعت الهی را نداشته و ندارد. چنین عقلی، صرفاً محدود و منحصر به پدیده های حسی و تجربی است.

کسانی که می خواهند دین را به ساحت علم ببرند و به زعم باطل خویش به دنبال علمی کردن دین هستند، «عرض خود می برند و زحمت ما می دارند.» نگارنده به هیچ وجه، همگام با چنین روشنفکرانهایی نیست و این نوشته چنین غرضی را ندارد؛ بلکه صرفاً استحسانات و حدس و گمانهایی است که علم تجربی می تواند در حوزه برخی احکام دینی داشته باشد. و گاهی در مورد برخی افراد، خصوصاً جوانان، می تواند عامل و مشوقی برای جذب بیش تر آنها به احکام الهی شود.

وضو

وضو، از جمله عبادات به شمار می رود و نیز شرط صحت نماز و بعضی امور دیگر است.

وضو در روایات، باعث صحت، طول عمر و نورانیت باطن معرفی شده است.

فلسفه وضو هم مثل سایر عبادات، بالاتر از فواید مادی و نتایج جسمانی است؛ بلکه فایده آن، معنوی و روحانی و برای قرب به مبدأ است. حدیث نبوی⁹ «الْوُضُوءُ نُورٌ وَ الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ؛ وضو نور است و وضو [گرفتن] با [داشتن] وضو، نوری اضافه بر نوری دیگر است.» نیز اشاره به همین معنا دارد.

مراد از نور در فایده وضو، صفای قلب، حصول قرب و چراغی است که مؤمن را از ظلمات ماهیات و مادیات نجات می دهد و برای رسیدن به معنویات و ورود به ساحت قدس حضرت احدیت رهبری می کند.

وضو افزون بر فواید روحی، روانی، معنوی و حقیقی، حاوی فواید جسمانی، مادی، طبیعی و بهداشتی زیادی است. در ذیل به بعضی از حکمتها و فواید مادی و معنوی وضو اشاره می شود:

1. یکی از شرایط وضو این است که اعضا باید شسته شود و باید برای رسیدن به این مقصود، همه آلودگیهای بدن، مانند آلودگیهای اطراف ناخنها رفع شود. [1]

این سفارش، یک دستور بهداشتی مهم برای همه طبقات شهری و روستایی است که با رعایت آن در همه عمر، پاکی بخشی از اعضای بدن را که به طور مستقیم با آنها تماس دارند حفظ کنند.

غیر از اعضای وضو، دیگر اعضای بدن، زیر لباس است و کم تر به میکروب و کثافات محیط آلوده می شود؛ از اینرو مردم باید چند بار در شبانه روز وضو بگیرند و دست و صورت را بشویند؛ زیرا در معرض آلودگی قرار دارد.

اگر چرکهای سر و پا و اطراف ناخنها به قدری باشد که مانع رسیدن آب به پوست شود، مسح، درست نیست. باید محل مسح پاکیزه باشد؛ به گونه ای که مانعی برای مسح وجود نداشته باشد

چه محرکی بالاتر از این پیدا می شود که مردم مجبور باشند در شبانه روز چندین بار وضو بگیرند و وادار شوند که بدن و سر خود را پاک و تمیز نگه دارند؟ [2]

2. هنگامی که با آب پاکیزه و خنک وضو می گیرید، صورت و دستهایتان را می شوئید و بر این اعضا دست می کشید. [3]

در این صورت، جریان خون در سطح بدن تقویت می شود و همین امر، عکس العمل سریعی را در همه بدن سبب می شود. نتیجه فوری و محسوس آن، خرمی و تازگی است که بیش تر افراد پس از وضو در خود احساس کنند. این احساس، نشانه سلامت افراد است.

3. دست را می شوئیم؛ چون محل تجمع میکروبها و راه نفوذ آن به بدن است. شستن صورت و استنشاق نیز راه

نفوذ میکروبها و باکتریها را از بینی و دهان مسدود می کند.

4. امام رضا (ع) درباره فلسفه وضو می فرماید: «وضو برای این است که بنده در مقابل خداوند، پاکیزه باشد و از کثافت و نجاست پاک شود و خواب از چشم او بیرون رود.

سبب وجوب شستن صورت، این است که با صورت، سجده و خضوع می کند و علت شستن دست، این است که با دست خود، حاجت خود را عرضه می کند و علت مسح سر، این است که سر خود را در حالت نماز رو به قبله می کند و علت مسح پا این است که قیام و قعود نماز را با آن انجام می دهد.» [4]

5. موسیو شارل مسیمیر درباره وضو در اسلام و اسرار بعضی از احکام مسلمانان چنین می گوید:

«شستن روی چشم در وضوی شرعی، حاوی نکاتی در حفظ صحت عمومی است؛ چنانچه اروپاییان به شستن چشم و روی خودشان فوق العاده اهمیت می دهند و برای زایل کردن سنگینی ذهن و سر، رفع رکود و به کار انداختن اعصاب باز مانده از کار، مسح کردن سر را لازم می دانند. همچنین مسح، مانع از هجوم خون به دماغ است.

مسح سر در صورت اشتغال به کارهای دشوار و غلبه قوه فکریه بر سایر قوا بسیار اهمیت دارد و مسح پاها نیز در نظافت و رفع بوی پا مداخلت شایانی دارد.

ماساژ سوئدی، به معنای مالش (مشت مال) بدن است. امروز خاصیت و فواید ماساژ برای همه طبقات ثابت شده است؛ به ویژه دانشمندانی که مطلق ماساژ، به ویژه ماساژ سوئدی [5] را باعث تقویت و تسریع گردش خون می دانند و آن را در مباحث ورزش در رأس قرار می دهند.

وضوی اسلامی، همان خاصیت ماساژ را به نحو اتم در بردارد؛ زیرا وقتی آب سرد به سطح اعضای وضو رسید، محل آن، سرد می شود و جریان خون به آن سمت، شدت می یابد. سپس دستگاه گردش خون برای حفظ درجه طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته اعضا، به سرعت فعالیت می کند و در نتیجه، در دستگاه گردش خون، نشاط به وجود می آید.» [6]

6. دکتر عفیف می نویسد:

«قبض و بسط در رگهای پوست بر اثر جریان آب وضو، باعث افزایش حرکت قلب و نشاط جسمی می شود و حرکات تنفسی (جذب اکسیژن و دفع کربن) را آسان می کند. همچنین سبب تمدد اعصاب می شود و شخص را از ابتلا به بیماریهای مختلف مصون می دارد.

شستشوی دست برای وضو، روزانه حداقل 5 بار، عامل نظافت دست و پیشگیری از ورود میکروبهای مختلف به دهان و ابتلا به بیماریهای گوارشی و سایر امراض سخت می شود.» [7]

7. بعضی دیگر از آثار جسمی وضو این است که شستن قسمت‌هایی از بدن، آن هم روزی چند بار و با فواصلی خاص، باعث استراحت و آرام سازی عضلات و تخفیف تشنجات جسمی و روانی می شود. این سخن، شاید بتواند توضیحی ساده باشد برای این سفارش پیامبر (ص) که فرمود: «برای فرونشاندن خشم، وضو بگیرد.» [8]

8. مهم ترین نقش وضو، پیشگیری از بیماریهای مختلفی است که تعداد آنها را 17 بیماری ذکر کرده اند. مهم ترین آنها عبارت اند از: وبا، تیفوئید، سیاه سرفه، تراضم، مسمومیت‌های غذایی و ... [9]

حسن ختام این قسمت از بحث را حدیثی از نبی مکرم اسلام قرار می دهیم.

پیامبر (ص) به انس فرمود:

«يَا اَنَسُ اَكْثِرْ مِنَ الطَّهْوَرِ يَزِدُ اللّٰهُ فِيْ عُمْرِكَ فَاِنْ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَكُوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلٰى طَهَاةٍ فَاَفْعَلْ فَاِنَّكَ تَكُوْنُ

إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيداً؛ [10] ای انس! از آب، زیاد استفاده کن (همیشه با وضو باش) که در این صورت خداوند عمرت را طولانی می کند. پس اگر بتوانی در شب و روز، این کار را بکن؛ زیرا اگر با طهارت بمیری، شهید مرده ای.»

از این روایت و مانند آن، چنین بر می آید که شرع مقدس اسلام، آن اندازه به پاکیزگی اهمیت می دهد که شایسته است مردم، حتی هنگام کارهای روزانه دنیوی نیز با وضو باشند تا بدین ترتیب علاوه بر ایجاد حالت معنوی برای انسان، بر محیط اجتماعی و کاری آنان، پاکیزگی حکم فرما شود.

پی نوشت ها :

- [1]. وسائل الشیعه، حر عاملی، مؤسسه آل البیت، ج 1، ص 377.
- [2]. پاکیزگی و بهداشت در اسلام، سید محمد صانعی، قم، بوستان کتاب، اول، 1385 ش، ص 183.
- [3]. عروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی، تهران، مکتبة الاسلامیه، ج 1، ص 200. من الافعال المستحبه أن يكون ذلك مع إمداد اليد على تلک المواضع.
- [4]. علل الشرایع، شیخ صدوق، ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی، مؤمنین، سوم، 1382 ش، ج 1، ص 885.
- [5]. ماساژ سوئدی آن است که تمام اعصاب را به کار می اندازد.
- [6]. فلسفه احکام، احمد اهتمام، اصفهان، چاپخانه اسلام، 1344 ش، ج 1، ص 233.
- [7]. پرستش آگاهانه، ص 59، به نقل از: روح الصلوة فی الاسلام، دکتر عقیف عبدالفتاح، ترجمه دکتر محمد رضا رضوان طلب، قم، ستاد اقامه نماز دوم، 1375، ص 82.
- [8]. با استفاده از مقاله مندرج در ویژه نامه دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی به مناسبت برگزاری هفتمین اجلاسیه نماز در ارومیه، مهر 1376 ش.
- [9]. الابداعات الطیبه لرسل الانسانیه، سالم مختار، بیروت، مؤسسة المعارف، 1995 م، ص 54.
- [10]. وسائل الشیعه، ج 1، ص 383، استحباب وضو.